

داستان زندگی نوآوران کسب و کار بیست نفر که قواعد بازی را به هم زدند

مترجم: امید شکبیا

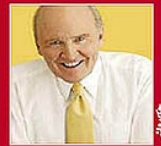
موفقیت و ثروت، به ندرت با پیروی از قواعد مرسوم و خطر نکردن به دست می‌آید. برعکس، بزرگ‌ترین موفقیت‌ها نصیب کسانی شده است که حاضر بودند بیرون از مرزبندی‌ها حرکت کنند و شیوه‌های اجرای بازی را تغییر دهند. در اینجا بیست نفر از نوآوران کسب و کار از گذشته و حال معرفی می‌شوند که داستان‌های زندگی‌شان از جهات بسیاری متفاوت است، اما همگی به یک حقیقت واحد اشاره دارند "اینکه ابتکار عمل، خلاقیت و جسارت، بسیار مهم‌تر از پیروی از قواعد هستند" (اگر چه احتمال دارد هر از گاهی خود را در مسیر خلاف قانون ببابید)

۱. جک ولش

نشریه فورچون در سال ۱۹۹۹ وی را "مدیر قرن" نامید. عمده شهرت خود را مدیون بازسازی و سازمان‌دهی شرکت جنرال الکتریک است که سطوح مدیریتی را از ۲۹ سطح به شش سطح کاهش داده، برخی حوزه‌های کسب و کار را تعطیل کرده و درصد زیادی از زیردستان خویش را اخراج نمود. به‌رغم تاکتیک‌های قوی و بی‌پروای وی (به خاطر اخراج تعداد زیادی از کارکنان شرکت، به او "جک نوترونی" مشابه با بمب نوترونی لقب داده بودند)، توانست ارزش جنرال الکتریک را از ۱۲ میلیارد دلار به ۲۸۰ میلیارد دلار رساند که بزرگ‌ترین افزایش ارزش در هر شرکتی در زمان هر مدیرعاملی بوده است.

۲. استیو جابز

از بنیان‌گذاران شرکت اپل و رییس پیکسار که به عنوان یاغی و هنرمند و به همان



بیل گیتس



استیو جابز



مارك زکربرن



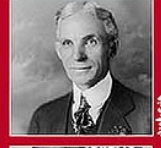
ایلان ماسک



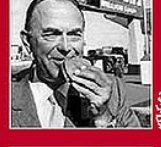
جف بیزوس



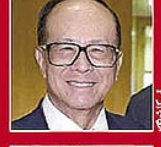
لاری پیج



سرژی برین



بیل گیتس



استیو جابز



بیل گیتس



بیل گیتس



استیو جابز



مارك زکربرن



ایلان ماسک



جف بیزوس



لاری پیج



سرژی برین



بیل گیتس



استیو جابز



بیل گیتس



اندازه مدیر تجاری، توانست یک سروگردن بالاتر از سیلیکون ولی قرار گیرد. مجله فورچون او را "مرشد فرهنگی جهانی" نامید که مسوول تغییر شیوه کار و اجرای موسیقی در جهان بوده است. با این حال او را به خاطر کارهایی از این قبیل هدف انتقاد قرار داده‌اند: گرایشات برتری جویانه، اعتبار زیردستان را برای خود خرج کردن، مدیریت خرد کسب و کار، اخراج کارکنان از روی خشم و هر تعداد خلاف‌های اندک مثل پارک کردن مرسدس بنز خود در مکان مخصوص معلولان. ارزش خالص دارایی وی بیش از ۲۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

۳. سر ریچارد برانسون

ریچارد برانسون در سال ۱۹۷۲ و در سن ۲۲ سالگی، نخستین فروشگاه صفحه موسیقی خویش به نام ویرجین را در لندن افتتاح کرد و نخستین قراردادش را با مایک الدفیلد برای صفحات موسیقی ویرجین امضا کرد. سال بعد یکی از صفحات موسیقی الدفیلد روانه بازار شد و در تعداد میلیونی به فروش رفت که متنی کلاسیک از موسیقی آزمایشی الکترونیکی شد. پنج سال بعد، برانسون قراردادی با یک گروه موسیقی راک امضا کرد که سایر موسسات آنها را رد کرده بودند. برانسون علاوه بر فروشگاه‌های صفحه موسیقی و شرکت هواپیمایی، به خاطر تلاش‌های رکوردگذار جهانی مشهور است و به اندازه سلطان تجاری بودن به خاطر بی‌باک بودنش مورد احترام است. او که شخصیت پرجذبه و قابل‌پیدا کرده است در تعدادی از پرطرفدارترین نمایش‌های تلویزیونی ظاهر می‌شود. او یک سفینه فضایی نیز دارد. حداقل این که برانسون ثابت کرده است یک نفر می‌تواند در عین حال که یکی از ثروتمندترین و موفق‌ترین مردم جهان است، گرم و دوست داشتنی نیز باشد.

۴. سام والتون

سام والتون در سطرهای پایانی کتاب خود با عنوان "ساخت آمریکا" نوشت مهم‌ترین قانون در تجارت، شکستن همه قوانین است. او همچنین گفته است، "من همیشه به خودم، به خاطر زیرپا گذاشتن قوانین کسان دیگر، افتخار می‌کردم و همیشه طرفدار انسان‌های سرکش و تک رویی بودم که قواعد من را به چالش می‌کشیدند." رویکرد نوآورانه و جسارت‌آمیز وی به کسب و کار، تاسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای جهانی وال مارت بود که در سال ۲۰۰۲ توانست جای شرکت نفتی اگزان را به عنوان بزرگ‌ترین شرکت جهان بگیرد.



۵. بیل گیتس

این را دیگر همه می‌دانند که ثروتمندترین مرد جهان کسی است که از دانشگاه اخراج شد. بیل گیتس به جای اتمام تحصیلات در دانشگاه معتبر هاروارد، تصمیم گرفت به یک فعالیت پرریسک اشتغال ورزد و تمام وقت خویش را به کسب و کار کوچکی به نام "مایکرو سافت" اختصاص داد که با کمک هم کلاسی خود پل آلن تاسیس کردند. گیتس که از رویه‌های موجود منبع دسترسی باز توسعه نرم‌افزار رضایت نداشت، تصمیم به پولی کردن سیستم گرفت و درخواست اخلاقی برای منبع بسته کرد. او با تغییر قواعد توسعه نرم‌افزار، صنعت نرم‌افزار را به نحوی که امروزه می‌شناسیم تثبیت نمود.

۶. دونالد ترامپ

میلیاردر خودساخته، سلطان املاک و مستغلات و به عنوان کسی که قواعد را به وجود می‌آورد شناخته می‌شود. در بین قواعد ترامپ برای موفقیت، این واژه‌ها را پیدا نخواهید کرد: شرم، بخشندگی، هم‌دردی یا مهربانی. دونالد ترامپ، رییس اصالتاً قلدر ضعیف‌کُش، یک نماد فرهنگی و یکی از مشهورترین مردان جهان است. از مقایسه عکس‌های تبلیغاتی وی در سال‌های اولیه شهرت یافتن وی با تسلط اخیر وی در صحنه جهانی، روشن می‌شود که ترامپ چهره مشخصاً رذیلانه‌ای پیدا کرده است. در حالی که هیچ‌کس رهبری ترامپ را در کسب و کار زیرسوال نمی‌برد، شهرت وی، اگر نه ثروت وی، بیش از آنکه ناشی از معاملات تجاری خاص یا تصمیمات حرفه‌ای باشد به خاطر تصویر "رییس پست فطرت" و زندگی شخصی پرسرو صدای وی بوده است.

۷. هنری فورد

پدر خودروهای امروزی، بنیانگذار شرکت خودروسازی فورد و مخترع خط مونتاژ متحرک خودرو، رهبر تجاری کاملاً غیرمتعارفی بود. هنری فورد با پافشاری بر تولید انبوه خودروهای ارزان برای یک بازار گسترده، زمانه خویش و نیز سرمایه‌گذاران را به چالش کشاند. او دستمزدی بسیار بیشتر از آنچه مرسوم بود به کارکنان شرکت پرداخت که این کار را "مشوق دستمزد" نامید و بدین وسیله توانست نیروی کار قوی را جذب و نگه دارد. فورد از "سرمایه‌داری رفاهی" حمایت می‌کرد و علاقه غیرمعمولی به وضعیت زندگی کارکنان نشان داد و آنها را ملزم به زندگی طبق



قوانین تعیین شده در "واحد جامعه شناختی" خود می‌کرد، به طوری که چگونگی گذراندن ساعات فراغت آنها را مشخص و محدود می‌ساخت. ریسک‌های وی نتیجه داد و شرکت فورد به ترسیم چشم‌انداز مدرن شهری کمک کرد.

۸. ری‌کراک

ری‌کراک نخستین رستوران مک دونالد را باز نکرد. او صرفاً یک شرکت کوچک خانوادگی را به حق امتیاز جهانی چند میلیارد دلاری تبدیل نمود. استعداد کراک مثل هنری فورد و قبل از او این بود که راهی پیدا کرد تا کالاهای با کیفیت را به یک بازار انبوه وارد کند. او با معرفی خط‌های اکید برای چگونگی تولید و فروش اقلام غذایی، انقلابی در صنعت رستوران به وجود آورد. او فروش همبرگر را به یک علم تبدیل کرد و حتی صاحبان حق امتیاز خود را مجبور به گذراندن لیسانس همبرگرشناسی در موسسه آموزشی مک‌دونالد کرد. اما کراک بر خلاف فورد، به خاطر پرداخت دستمزد تا حد امکان اندک به کارکنانش مورد انتقاد واقع شد و متهم گردید که سعی در دور زدن قوانین حداقل دستمزد را داشت.

۹. لی‌کاشینگ

ماجرای لی‌کاشینگ، ماجرای آمریکایی واقعی است: سخت‌کوشی، عزم استوار و انتخاب‌های هوشمندانه که او را از فقر خارج ساخت و به محیط‌زیست اهمیت می‌دهد. تنها تفاوت این است که شینگ از چین است. ثروتمندترین مرد در هنگ‌کنگ، مجله فوربس ارزش خالص دارایی‌های شینگ را ۲۶/۵ میلیارد دلار گزارش کرده است. برای مردی که دیپلم دبیرستان ندارد چنین ثروتی بد نیست. او هنوز به گذشته معمولی خویش وفادار مانده است (خانواده‌اش هنگامی که ژاپن چین را اشغال کرد از کشور فرار کردند) و ترجیح نمی‌دهد ثروت خویش را به رخ بکشد. او به آرامی و مطبوع سخن می‌گوید و از کفش و ساعت ارزان‌قیمت استفاده می‌کند. در عین حال نظم و انضباط وی و جهت‌گیری روشن در کسب‌وکار باعث شده که لقب سوپرمن به وی بدهند. با اینکه ترکیبی منحصر به فرد از شرق و غرب جهان است کاملاً به هیچ قالبی در نمی‌آید.



۱۰. روپرت مورداک

سلطان رسانه‌های خبری و یکی از قدرتمندترین مردان جهان با مالکیت شرکت‌های بسیاری از قبیل نیوز کورپوریشن، فاکس نیوز و نیویورک پست، روپرت مورداک ۱۰۹مین مرد ثروتمند جهان است و مقام اعظم در رتبه کاتولیکی سنت گریگوری کبیر (لقبی که پاپ جان پل دوم به این استرالیایی - آمریکایی اعطا کرد هر چند که مورداک پروتستان است) وی به خاطر قدرت بسیار زیادی که در رسانه‌ها کسب کرده و استفاده غیراخلاقی از اموال خود در مسیر دیدگاه‌های سیاسی دست راستی خویش، مورد انتقاد وسیعی واقع شده است. او در سراسر فعالیت کارآفرینی خویش، منافع رسانه‌ای و سیاسی خویش را با ترسیم دقیق یک خط متوازن ساخته است، اما همیشه بدون حادثه نبوده است.

۱۱. کری پاکر

وقتی که در سال ۲۰۰۵ کری پاکر از دنیا رفت ثروتمندترین مرد در استرالیا و سهام دار اصلی شرکت نشر و پخش بود. وقتی پدر وی فرانک پاکر، سلطان رسانه از دنیا رفت، کری امپراتوری خانوادگی را به ارث برد که اگر به خاطر اختلاف خانوادگی نبود به برادر بزرگ ترش کلاید می‌رسید که با عزیمت او به آمریکا اختلاف خاتمه یافت. کری پاکر که رقیب قسم خورده غول رسانه‌ای روپرت مورداک بود اغلب با اتهامات مختلف روبه رو می‌شد تا جایی که متهم به فرار مالیاتی، جنایت سازمان یافته و قاچاق موادمخدر شد، اگر چه پاکر سرانجام از تمام اتهامات تبرئه شد هنوز در استرالیا به عنوان کسی که در جنایات سازمان یافته نقش داشته است به یاد آورده می‌شود.

۱۲. آندرو کارنگی

مهاجر فقیر اسکاتلندی که با تشخیص نیاز به تغییر، توانست به ثروتمندترین مرد در آمریکا تبدیل شود. او خود را با بازارهای در حال توسعه تطبیق داد، سرمایه‌گذاری سنگینی در فناوری‌های نو کرد و هراسی نداشت که توصیه‌های خویش را زیر سوال ببرد.

در سن ۳۳ سالگی، بیمناک از این که عمر خود را وقف ثروت‌اندوزی کردن، راحتی و آسایش را از وی سلب کرده است، نامه‌ای به خودش نوشت و توصیه نمود که دنیای کسب‌وکار را در



عرض دو سال برای همیشه ترک کند. نیازی به گفتن نیست که او به این توصیه عمل نکرد. این تنها باری نبود که حرف و عملش با هم همخوانی نداشت. برای مثال، کارنگی در توجه صریح به برابری سیاسی و حقوق کارگران در تشکیل اتحادیه نظیر نداشت؛ اما او تاکتیک‌های ضد اتحادیه‌ای هنری فریک را تایید کرد که منجر به مرگ تعداد نامعلومی در جنگ هوم ستید شد. کارنگی تلاش کرد به این شعار خود که "انسانی که ثروتمند می‌میرد بدنام شده می‌میرد"، عمل کند: او در زمان مرگش، ۳۵۰ میلیون دلار عمدتاً برای ایجاد کتابخانه‌های عمومی و پشتیبانی از نهادهای علمی اهدا کرد.

۱۳. بوریس برزویسکی

نسبت به اکثر بخش‌های جهان، فساد بخش شناخته شده‌ای از تجارت و سیاست در روسیه است، البته تجار و سیاستمداران معمولاً از اشاره به جنبه شرارت‌بار جاه‌طلبی‌های خود خودداری می‌ورزند، اما بوریس برزویسکی یک استثنا است. در حالی که این میلیاردی همه اتهامات در رابطه با ارتباطات خود با فعالیت‌های جنایی را رد می‌کند، او علناً تهدید کرده است جای ولادیمیر پوتین را "با زور" می‌گیرد. برزویسکی کمک کرد تا پوتین به قدرت برسد و اکنون او را متهم به جنایت می‌کند. تعجبی ندارد که برزویسکی هدف عملیات ترور قرار گیرد. او عضو برجسته آکادمی علوم روسیه بود. قبل از این که از خرید و فروش خودرو به ثروت هنگفتی دست یابد کتاب‌ها و مقالات بیشماری درباره ریاضیات کاربردی منتشر ساخت. او در حال حاضر به نام پلاتون النین و با پناهندگی سیاسی در لندن زندگی می‌کند.

۱۴. ارکادی کوهلمان

او خود را "از نوع بچه بدهای" تشکیلات بانکداری می‌نامد. ارکادی کوهلمان که بنیانگذار و رییس اجرایی ای‌ان‌جی دایرکت یکی از بانک‌های با رشد بالا در آمریکا است می‌گوید او حتی بانک‌ها را دوست ندارد و از کارت‌های اعتباری متنفر است. کوهلمان جدای از "انرژی بخشی" به صنعت بانکداری، یک شورشی با ذهن قوی است که بانک خود را بدون دستگاه‌های خودپرداز یا شعبات رنگ و وارنگ اداره می‌کند. همه معاملات به صورت الکترونیکی بدون نیاز به حداقل سپرده یا کارمزد از مشتری انجام می‌شوند. کوهلمان می‌گوید که وی برخلاف اکثر مدیران مالی قصد



دارد به مردم کمک نماید تا پولشان را پس انداز کنند نه این که خرج کنند. او می‌خواهد پس انداز کردن پول را "مطلوب سازد".

۱۵. میکائیل دل

میکائیل دل یکی از مهم‌ترین نوآوران صنعت رایانه شناخته می‌شود که با کاهش واسطه و فروش مستقیم رایانه شخصی به مصرف‌کننده، به مصرف‌کنندگان اجازه داد تا با تلفن یا نامه، دستگاه‌ها و تجهیزات را سفارش دهند. او که از دانشگاه اخراج شد یکی از سه تولیدکننده اصلی رایانه شخصی و یکی از مردان ثروتمند جهان است. (اگر ارزش ویژه دارایی‌های وی را مقایسه کنید به نظر می‌آید که دل می‌تواند شش تا هفت دونالد ترامپ را بخرد.) برخی از رقبای دل، به مدل تجاری منحصربه‌فرد وی طمع کردند، اما بدون اینکه موفقیتی به دست آورند. او القابی مثل "مرد سال" را از مجله PC، "مدیر عالی در کسب و کار آمریکا" از نشریه Worth و "کارآفرین سال" از مجله Inc دریافت کرده است. تارنمای دل کام، یکی از بزرگ‌ترین سایت‌های تجارت الکترونیکی مصرفی در فضای مجازی است.

۱۶. رومن آبراموویچ

برخی زمان‌ها او را "الیگارش‌ی آرام" می‌نامند، پانزدهمین مرد ثروتمند جهان همیشه چشم خود را روی روابط پنهانی بسته است. رومن آبراموویچ که وزنه‌ای در صنعت نفت روسیه و مالک باشگاه فوتبال چلسی است با تصمیمات تجاری متهورانه و اغلب حیرت‌انگیز خود جهان را تحت‌تاثیر قرار داده است. با وجود اتهامات وارده به وی که ثروتش را از راه بدبخت کردن دیگران به دست آورده است، مجله اکسپرت، آبراموویچ را مرد سال روسیه معرفی کرد و جایزه مرتبه افتخار را به خاطر کارهای نیکوکارانه برای توسعه منطقه چوکتکا دریافت کرد که نماینده و فرماندار آن منطقه نیز هست. آبراموویچ قبل از رسیدن به ۴۰ سالگی معاملات تجاری چند میلیارد دلاری انجام می‌داد. او تایید کرده است که میلیاردها دلار بابت زدوبندهای سیاسی پرداخته است.

۱۷. جف بزوس

آمازون کام، یکی از پیشتازان تجارت الکترونیکی است که ابتدا برای کتاب استفاده می‌شد. اینک یکی از پیشتازان در توسعه وب شده است که چگونگی خرید و فروش هر چیزی از



فیلم و موسیقی و لوازم آرایش و وسایل منزل را تغییر داده است. آمازون با اکتشاف و کاربرد فناوری‌هایی از قبیل آمازون کیندل و آمازون مکانیکال ترک، چگونگی مطالعه کتاب و تعامل مصرف‌کنندگان با رهبران بازار را تغییر داده است. جف بزوس، مردی که در پشت این پدیده است می‌گوید بیشتر موفقیت خود را مدیون شانس و اقبال و کشف شهودی بوده است. بزوس همیشه یک چشم به مشتری داشته است و ریسک‌های زیادی را پذیرفته که برخی اوقات به نفع آمازون نبوده است. با این حال او موفق به هدایت آمازون از میان بحران دات کام در دهه ۱۹۹۰ شد که توانست یکی از معدود ستون‌های بادوام وب شود. برخلاف مدیران سایر سایت‌های پیشتاز وب مثل eBay، یاهو و گوگل، جف بزوس پست اجرایی خود را از آغاز یعنی زمانی که فقط کتاب می‌فروخت، حفظ کرده است.

۱۸. سرگئی برین و لری پیج

این دو با هم دوره دکترا را در استنفورد دنبال می‌کردند که موتور جست‌وجوی گوگل را توسعه دادند و شرکت سهامی گوگل را تاسیس نمودند و دو مرد ثروتمند جهان شدند. در سال ۲۰۰۷ در کنار اریک اشمیت، کسی را که استخدام کردند تا به آنها در مدیریت گوگل کمک کند طبق فهرست جهانی مجله PC مهم‌ترین افراد در وب هستند. آنها سرمایه‌گذاران شرکت تسلا موتورز شده‌اند که قصد تولید خودروهای پیشرفته الکترونیکی را دارد. آنها یک بوئینگ ۷۶۷ نیز خریده‌اند که به یک هواپیمای مدیریتی بسیار بزرگ مبله شده لوکس تبدیل شده است. آنها هنوز به طور رسمی در دوره مرخصی از تحصیل دکترای خود در استنفورد به سر می‌برند.

۱۹. اینگوار کامپارد و خانواده

بسیاری از میلیون‌ها نفری که از صدها فروشگاه IKEA در سطح جهان خرید می‌کنند نمی‌دانند که دو حرف اول این فروشگاه زنجیره‌ای اثاثیه منزل از حروف نخست اسامی "اینگوار" و "کامپارد" گرفته شده است. (دو حرف آخر نیز از مزرعه الماتارید و دهکده آگونارید که او به دنیا آمده بود، گرفته شده است) یکی از نوآوری‌های اساسی در پشت موفقیت IKEA شیوه کامپارد در یافتن راه‌هایی برای کاهش دادن هزینه‌ها است، در حالی که طرح‌های اصیل و صاحب سبک ارائه می‌کند که به راحتی به منزل برده شده و قابل پیاده‌کردن است. کامپارد به خاطر خست و



صرفه‌جویی معروف است. با این که ثروتمندترین مرد اروپایی در جهان شناخته می‌شود (البته ثروت وی از لحاظ قانونی متعلق به کل خانواده است) او ترجیح می‌دهد با یک ولووی قدیمی رانندگی کرده و در قسمت اکونومی کلاس سفر کند.

۲۰. جورج سوروس

جورج سوروس ادعا می‌کند که از طریق تحلیل‌گری مالی در وال استریت شروع به پول درآوردن کرد تا بتواند ثروت کافی برای پرداختن به علایق خویش که نویسندگی و فلسفه بود پس‌انداز نماید. او از اندیشه‌های فیلسوف بزرگ انگلیسی سر کارل پوپر تاثیر فراوانی پذیرفت که کتاب "جامعه باز و دشمنان آن" پوپر باعث شد تا سوروس موسسه جامعه باز را تاسیس کند نهادی که هدفش "شکل‌دهی به سیاست عمومی برای ترویج حکمرانی دموکراتیک، حقوق بشر و اصلاحات اقتصادی، حقوقی و اجتماعی" اعلام شده است. سوروس به خاطر عمل نکردن به ایده آل‌های شفافیت خود مورد انتقاد قرار گرفته است، چون موسسه جامعه باز، بیش از آنچه قانون تکلیف کرده است از فعالیت‌های خود را افشا نکرده و اهداف مطلقاً سیاسی را دنبال می‌کند. البته اکثر آن انتقادات از جانب کسانی می‌آید که هوادار دموکرات‌ها نیستند.

منبع: سایت بیزنس پاندیت

برگرفته شده از روزنامه سرمایه، ۱۳۸۸/۸/۳